

داستان متیوسون از سخنرانی سوم کتاب مقدس - پیامبران

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © 2024

این سومین سخنرانی از شش سخنرانی دکتر دیو متیوسون در مورد سیر داستانی کتاب مقدس است. در این سخنرانی سوم، او به پیامبران و پنج موضوع اصلی، یعنی سرزمین، عهد، معبد، قوم خدا و پادشاهی، خواهد پرداخت. دکتر دیو متیوسون.

بسیار خوب، ما داشتیم در مورد خط داستانی کتاب مقدس صحبت می‌کردیم، و من پیشنهاد دادم که اگرچه عهد عتیق و جدید از انواع مختلفی از کتاب‌ها و ژانرهای ادبی تشکیل شده‌اند که برای اهداف مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نوشته شده‌اند، اما یک روایت یا داستان اساسی وجود دارد که کتاب‌ها را متحد می‌کند، که کتاب‌های مختلف به آن گواهی می‌دهند. و باز هم، نمی‌خواهم بگویم که هر آیه آخر در عهد عتیق و جدید به نوعی مستقیماً به خط داستانی مربوط می‌شود یا به آن مربوط می‌شود، بلکه می‌خواهم بگویم که اسناد به طور کلی و جنبش‌های اصلی و مضامین اصلی و اهداف اصلی کتاب‌ها به این داستان، متکی هستند و آن را آشکار می‌کنند. و گفتیم که داستان به فصل‌های اول و دوم و سوم پیدایش برمی‌گردد آغاز داستان یا زمینه، جایی که خدا به عنوان خالق حاکم بر جهان، بشریت را خلق می‌کند، قوم خود را خلق می‌کند، قومی که با آنها وارد رابطه می‌شود، رابطه‌ای که شبیه روابط عهدی است که در بقیه عهد عتیق یافت می‌شود.

خداوند با قوم خود وارد رابطه می‌شود. او محیطی مناسب برای زندگی آنها ایجاد می‌کند. او زمین و خلقت را به عنوان هدیه‌ای گرانبها به آنها می‌دهد که باید از آن محافظت و پاسداری کنند.

او بشریت را در باغ عدن، پناهگاه خود، مکانی که خدا با قومش در آن ساکن خواهد شد، قرار می‌دهد. آنها باید از آن محافظت و نگهداری کنند. و به بشریت این مأموریت داده شده است که نماینده حکومت خدا باشد، حکومت خدا را گسترش دهد، جلال او را در سراسر خلقت بگسترانند.

با این حال دیدیم که بشریت در این امر شکست خورد و به دلیل گناه، آدم و حوا از سرزمین تبعید شدند به طوری که بقیه کتاب مقدس، از پیدایش فصل چهارم به بعد، داستان چگونگی احیای آن توسط خدا خواهد بود. پیدایش ۱ و ۲ چگونه احیا خواهد شد؟ اما همچنین دیدیم که وسیله اصلی خدا برای احیای نیتش برای تمام خلقت، بر انتخاب ملت اسرائیل متمرکز بود. بنابراین خدا ابراهیم را فرا می‌خواند

و باز هم، تمام آن مضامین غالب که خدا اکنون قرار است قومی را بیافریند، او قرار است به آنها سرزمین را به عنوان مکانی برای برکت بدهد، و همچنین قرار است در قالب معبد با آنها ساکن شود. او همچنین از طریق ابراهیم و سپس از طریق موسی با قوم وارد یک رابطه پیمانی می‌شود. قوم باید جلال خدا را منعکس کنند.

آنها قرار است منعکس کننده حکومت خدا در سراسر خلقت باشند که در نهایت از طریق پادشاهی از نسل داوود که بر مردم حکومت خواهد کرد و به نمایندگی از مردم، حکومت خدا را در سراسر خلقت گسترش خواهد داد، اتفاق می‌افتد. بنابراین به طور کلی، داستان کتاب مقدس در مورد چگونگی تبدیل شدن تمام خلقت به مکانی برای سکونت خدا با قومش است که او آفریده است؟ و باز هم، می‌خواهم بر روی آن چند موضوع تمرکز کنم، همانطور که از روایت خلقت به تاریخ اسرائیل و اکنون به پیامبران می‌رویم، زیرا دیدیم که تاریخ اسرائیل اساساً شبیه به تاریخ آدم و حوا در باغ عدن است. همانطور که آدم و حوا گناه کردند و در حفظ عهد و رابطه خود با خدا کوتاهی کردند، به همان ترتیب، اسرائیل نیز در حفظ رابطه عهد با خدا کوتاهی کرد و آنها نیز از سرزمینی که خدا به آنها داده بود و از حضور خدا تبعید شدند.

بنابراین داستان هنوز بدون نتیجه باقی می‌ماند و این چگونه می‌تواند تمام خلقت به مکانی برای سکونت خدا در کنار قومش تبدیل شود؟ و بنابراین آن پنج مضمون اصلی را که از طریق خلقت و سپس به داستان اسرائیل که هر دو با شکست پایان می‌یابند، ردیابی می‌کنیم، اکنون می‌خواهیم در پیامبران نیز ردیابی کنیم تا نشان دهیم که چگونه پیامبران در انتظار خود مبنی بر اینکه خدا نیت خود را از پیدایش ۱ و ۲ برای بشریت، و برای تمام خلقت محقق خواهد کرد، متحد هستند. حال مضامین اصلی که می‌خواهیم به آنها نگاه کنیم خوشه مضامین، قوم خدا، عهدی که خدا با آنها برقرار می‌کند، سرزمین و خلقتی که خدا به عنوان هدیه بخشنده خود به آنها می‌دهد، معبد، باغ، محل سکونت و حضور خدا در کنار قومش و سپس همچنین پادشاهی هستند. به دلیل گناه بشریت در پیدایش فصل ۳، از آن زمان به بعد، بشریت پادشاهی خود را غصب می‌کند و با نادیده گرفتن خالق که قرار است نماینده او باشد، از آن سوءاستفاده می‌کند.

علاوه بر این، کتاب مقدس به وضوح بیان می‌کند که به دلیل گناه بشریت، چون آدم و حوا در پیدایش ۱ و توسط شیطان و سوسه می‌شوند، اکنون پادشاهی، جهان به پادشاهی شیطان و شر تبدیل می‌شود. بنابراین ۲ دوباره داستان در مورد چگونگی نجات این وضعیت توسط خداوند است. خداوند چگونه جهان را از سلطه شیطان و شیوه‌ای که بشریت بر خلقت تسلط دارد نجات خواهد داد، چگونه خداوند آن را نجات خواهد

داد و حکومت خود را در سراسر خلقت گسترش خواهد داد؟ و یک بار دیگر، خلقت را به مکانی تبدیل می‌کند که بشریت بتواند در آن ساکن شود و جایی که خداوند می‌تواند در میان آنها و در کنار آنها ساکن شود، در مکانی که حکومت خدا بر تمام خلقت گسترش یافته است و خداوند اکنون در رابطه پیمانی با قوم خود است و به عنوان نمایندگان او، جلال او را گسترش می‌دهند، جلال و حکومت خدا در سراسر خلقت گسترش یافته است. چگونه این به واقعیت تبدیل می‌شود؟ اکنون که آدم و حوا شکست خورده‌اند، اکنون که اسرائیل شکست خورده است، پیامبران اساساً به وضعیت اسرائیل، تبعید قریب الوقوع اسرائیل یا اسرائیل در تبعید به دلیل گناهکاری‌شان می‌پردازند.

و کاری که پیامبران انجام می‌دهند این است که به این چشم‌انداز می‌پردازند یا تصویری ترسیم می‌کنند که چشم‌انداز بازگشت را فراتر از وضعیتشان در تبعید بیان می‌کند. بنابراین اسرائیل به دلیل گناهکاری بت‌پرستی، و شکستن عهد، به تبعید خواهد رفت یا در حال حاضر در تبعید است، دقیقاً مانند کاری که آدم و حوا در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش انجام دادند، اما اکنون پیامبران زمان بازگشت را پیش‌بینی کرده بودند. حال به یاد داشته باشید آنچه باید به آن توجه کنیم، این داستان بازگشت به عنوان دو جنبه است.

از آنجا که اسرائیل وسیله خدا برای بازگرداندن تمام خلقت از پیدایش ۱ و ۲ بود، و از آنجا که اسرائیل آن را نیز خراب کرد، خدا باید هم اسرائیل و هم خلقت را بازگرداند. بازگرداندن اسرائیل وسیله‌ای است که خدا از طریق آن تمام خلقت را بازیابی خواهد کرد. بنابراین بازگرداندن اسرائیل، داستان اسرائیل، کلید درک داستان برخورد خدا با تمام خلقت از پیدایش ۱ و ۲ است. و خواهیم دید که چگونه این امر در ادبیات نبوی به وقوع می‌پیوندد.

اما کاری که می‌خواهم در بررسی اجمالی آثار پیامبران انجام دهم این است که دوباره به تک تک کتاب‌های نبوی نمی‌پردازم، بلکه می‌خواهم به بخش‌های اصلی این آثار پردازم تا به شما درکی از آنچه فکر می‌کنم در بسیاری از متون نبوی دیگر می‌توان یافت، بدهم و نشان دهم که چگونه این پنج مضمون که در خلقت آغاز می‌شوند، راه خود را در داستان اسرائیل، از ابراهیم شروع می‌کنند و سپس به موسی و داستان اسرائیل می‌پیوندند، چگونه این پنج مضمون دوباره در انتظار نبوی پدیدار می‌شوند که خداوند در واقع قصد خود را برای تمام خلقت و همچنین برای اسرائیل، در درجه اول بازگرداندن اسرائیل به گونه‌ای که در نهایت تمام خلقت بتواند بازیابی شود، بازیابی خواهد کرد. اولین مضمونی که می‌خواهم به آن پردازم، بازیابی قوم خداست. این یک موضوع نسبتاً آشکار در سراسر متون نبوی است و بیشتر متون نبوی که به اسرائیل به

عنوان در شرف تبعید یا اسرائیل در تبعید اشاره می‌کنند، همگی زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که خود خدا قوم خود را به رابطه‌ای با خود بازگرداند.

بنابراین مردم پراکنده دیده می‌شوند، مردم به دلیل تبعید پراکنده دیده می‌شوند، اما اکنون متن نبوی زمانی را پیش‌بینی می‌کند که قوم خدا به عنوان قوم واحد خدا دوباره گرد هم آیند. بنابراین برای مثال، متنی مانند: اشعیا فصل ۶۰، به وضوح به احیای قوم خدا پس از تبعید اشاره دارد. فصل ۶۰ اینگونه آغاز می‌شود: «برخیز، بدرخش، زیرا نور تو آمده و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است»

زیرا تاریکی زمین را و تاریکی غلیظ قوم را فرا خواهد گرفت. اما خداوند بر تو طلوع خواهد کرد و جلال او بر تو ظاهر خواهد شد. به مضمون نور خدا و جلال او و حضور او با قوم توجه کنید. سپس آیه ۳ می‌گوید: «امت‌ها به سوی نور تو و پادشاهان به سوی روشنائی سپیده دم تو خواهند آمد»

چشم‌انت را بالا بگیر و به اطراف نگاه کن. همه آنها جمع شده‌اند. در اشاره به قوم اسرائیل، آنها به دلیل تبعید پراکنده شده‌اند". همه آنها جمع می‌شوند، نزد تو، به اورشلیم می‌آیند.

پسرت از دوردست‌ها خواهد آمد و دخترت بر آغوش دایگانشان حمل خواهد شد «و می‌توانید در باب ۶۰ اشعیا و این حس خدا که قوم خود را که در تبعید پراکنده شده‌اند، گرد هم می‌آورد و آنها را بازمی‌گرداند و دوباره آنها را به عنوان قوم خود بازمی‌آفریند، بیشتر بخوانید. متن دیگری است، و کاری که من انجام خواهم داد صرفاً خواندن و تفسیر تعدادی از متون نبوی است، اما حزقیال باب ۳۶ و آیات ۹ تا ۱۱. دوباره، به موضوع احیای قوم خدا توجه کنید، و توجه کنید که چگونه این احیای قوم را با خط داستانی مداومی که تاکنون بررسی کرده‌ایم، مرتبط می‌کند.

فصل ۳۶ و ۹ تا ۱۱». اینک بنگر، من با تو هستم. من به سوی تو روی خواهم آورد و تو شخم زده و کاشته خواهی شد «حال به این گوش کن»: و من جمعیت تو، تمام خاندان اسرائیل، همه را چندین برابر خواهم کرد.

شهر آباد خواهد شد، خرابه‌ها دوباره ساخته می‌شوند، و من انسان‌ها و حیوانات را بر تو تکثیر خواهم کرد. آنها افزایش خواهند یافت و بارور خواهند شد، و من تو را مانند دوران گذشته‌ات آباد خواهم کرد، و بیش از هر زمان دیگری به تو نیکی خواهم کرد «دوباره، به ویژه در آیات ۱۰ و ۱۱، به آن زبان تکثیر مردم، یعنی

بارور و فزاینده بودن آنها توجه کنید. باز هم، این زبان فرمان به قوم خدا، آدم و حوا، در پیدایش فصل ۱ است که آنها بارور و کثیر خواهند شد.

، اکنون یک بار دیگر، هنگامی که خداوند قوم خود را در راستای تحقق نیت خود برای باروری و تکثیر بشریت احیا می‌کند، قرار بود این امر توسط اسرائیل، داستان اسرائیل، انجام شود. اکنون خداوند قوم خود را به موقعیتی بازی گرداند که در آن بارور خواهند بود، جایی که او آنها را بارور خواهد کرد و باعث تکثیر و افزایش تعداد آنها خواهد شد، همانطور که نیت اصلی او در روایت خلقت بود. در همان فصل بعدی حزقیال، در فصل ۳۷، نیز پیشگویی بازگشت قوم از تبعید، احیای قوم از تبعید، آمده است.

در اینجا، پیامبر، خدا از طریق تصویر استخوان‌های خشک یا نوعی استخوان‌های مرده، که اکنون به هم می‌پیوندند و زنده می‌شوند و حیات می‌یابند، با حزقیال ارتباط برقرار می‌کند. و چیزی که می‌خواهم روی آن تمرکز کنم، توجه کنید، من با آیات ۷، ۷ تا ۱۰ از حزقیال فصل ۳۷ شروع می‌کنم، اما می‌خواهم به دو آیه آخر توجه کنید. حزقیال گفت، پس من همانطور که به من فرمان داده شده بود، نبوت کردم.

و همانطور که پیشگویی می‌کردم، ناگهان صدای تق‌تقی آمد و استخوان‌هایی که او دیده بود، به عنوان نمادی از مرگ اسرائیل به دلیل تبعید، به دلیل جدایی از سرزمین برکت و مکان سکونت خدا، در اطراف پخش شدند. اکنون این استخوان‌ها به هم پیوستند، استخوانی به استخوان دیگر. من نگاه کردم و رگ و پی بر آنها بود و گوشت بر آنها آمده بود و پوست آنها را پوشانده بود، اما هیچ روحی در آنها نبود.

سپس به من گفت، ای انسان فانی، بر نفس نبوت کن، و به نفس بگو، خداوند متعال چنین می‌گوید، ای نفس، از چهار باد بیا و بر این کشتگان بدم تا زنده شوند. من همانطور که او به من فرمان داد، نبوت کردم و نفس به آنها وارد شد و آنها زنده شدند و بر پاهای خود ایستادند، گروهی عظیم «نه تنها ایده جمعیت عظیم و تعداد زیاد، شاید افزایش و تکثیر پیدایش ۱ و ۲ را نشان دهد، بلکه به تصویر خدا که در بدن‌های بی‌جان آنها زندگی می‌دمد نیز توجه کنید. بنابراین، شما این استخوان‌های خشک را دارید که بلند می‌شوند و حتی گوشت و رگ و پی می‌گیرند، اما هیچ نفسی برای حیات بخشیدن به آنها وجود نداشت، همانطور که در روایت خلقت بود که در آن خدا انسان‌ها را شکل می‌دهد و آدم را از خاک زمین می‌سازد، اما باید به بشریت زندگی ببخشد.

بنابراین ما یک بار دیگر، در واقع، خلقت جدیدی را در حزقیال فصل ۳۷ می‌بینیم، همانطور که خدا انسان‌های خود را بازآفرینی می‌کند، همانطور که خدا قوم خود را همانطور که در روایت خلقت با دادن جان به اجساد بی‌جان از طریق نفس خود انجام داد، بازآفرینی می‌کند. فقط برای اینکه نگاهی اجمالی به یک متن نبوی دیگر یا مثالی از یک متن نبوی دیگر داشته باشید، زکریا فصل ۸ نیز بازگرداندن قوم خدا را از تبعید پیش‌بینی می‌کند. در زکریا فصل ۸، در آیات ۷ و ۸، خداوند لشکرها چنین می‌گوید: من قوم خود را از سرزمین شرقی و از سرزمین غربی نجات خواهم داد.

من آنها را برای زندگی در اورشلیم باز خواهم گرداند. آنها قوم من خواهند بود و من خدای آنها در ایمان و عدالت خواهم بود. بنابراین، واضح است که زکریا نیز احیای قوم خدا را پیش‌بینی می‌کند، جایی که آنها قوم او در رابطه با عهد خواهند بود.

توجه داشته باشید که مضمون قوم خدا را نمی‌توان از مضمون عهد نیز متمایز و جدا کرد. بنابراین، توجه کنید که بخشی از پیش‌بینی زکریا برای بازگشت این است که خدایا، آنها قوم من خواهند بود، من خدای آنها خواهم بود، فرمول عهدی که در جای دیگری از عهد عتیق یافت می‌شود. بنابراین، بخشی از انتظار نبوی در انعکاس نیت خدا برای اسرائیل و در نهایت انعکاس نیت خدا برای خلقت، بازگشت قومی است که از نظر تعداد بی‌شمار خواهند بود و به عنوان قوم خدا آفریده و حیات خواهند یافت و با خود خدا وارد یک رابطه عهدی خواهند شد.

این موضوع، دومین موضوعی را که می‌خواهم به آن پردازم، پیش‌بینی می‌کند و آن موضوع عهد و پیمان است. در دو سخنرانی گذشته دیدیم که عهد و پیمان، شیوهی غالب ارتباط خداوند با قومش بود. تصویر عهد و پیمان، برگرفته از روابط حاکمیتی یا معاهدات حاکمیتی خاور نزدیک باستان است.

و بنابراین خدا به عنوان خالق، حاکم بر همه چیز، که اکنون با قوم خود وارد رابطه می‌شود، به تصویر کشیده می‌شود. او آنها را به فرزندی می‌پذیرد یا خود را به عنوان قوم خود انتخاب می‌کند و اکنون به آنها برکت خواهد بخشید. اما دیدیم که رابطه عهد و اختلاف نظر وجود دارد که آیا پیدایش ۱ و ۲ باید یک عهد نامیده شود، اما حداقل همه عناصر رابطه عهد در آن وجود دارد.

و روابط عهدی بعدی که خداوند با قوم خود برقرار می‌کند، شباهت زیادی به رابطه‌اش با آدم و حوا در زمان خلقت دارد. اما عهدی که با موسی دیدیم، نه چندان به معنای شکست در عهد، بلکه به معنای

، شکست قوم در حفظ رابطه عهدی بود و به همین دلیل از باغ عدن، از سرزمین تبعید شدند. بنابراین خداوند از طریق پیامبران، وعده می‌دهد که عهد جدیدی برقرار کند.

خداوند بار دیگر عهد جدیدی با قوم خود برقرار خواهد کرد که مانند عهد عتیق، یا بهتر از آن، مانند عهد عتیق که مردم شکست خوردند، نخواهد شکست. عهد جدیدی که خداوند با قوم خود برقرار خواهد کرد: و چندین متن نبوی این را پیش‌بینی می‌کنند. ما همین الان آیه ۸ و ۸ زکریا را خواندیم، جایی که او می‌گوید: من آنها را به سرزمین او خواهم آورد تا در آنجا ساکن شوند، آنها قوم من خواهند بود و من خدای آنها» «خواهم بود».

این در قلب فرمول عهدی است که در سراسر عهد عتیق می‌یابیم. اما متون دیگری از عهد عتیق وجود دارند که به وضوح زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که خداوند در آینده، زمانی که آنها را احیا می‌کند، رابطه عهد جدیدی را با قوم خود برقرار خواهد کرد. بنابراین، برای مثال، در ارمیا فصل ۳۱، که نوعی متن کلاسیک مربوط به عهد جدید است، به ویژه به این دلیل که نویسنده از کلمه عهد جدید برای توصیف این رابطه‌ای که خداوند با قوم خود دوباره برقرار خواهد کرد، استفاده می‌کند.

اما ارمیا فصل ۳۱ و آیات ۳۱ تا ۳۴ می‌گوید: «خداوند می‌گوید: روزهایی فرا خواهد رسید که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه خواهم بست. این مانند عهدی که با اجدادشان بستم، یعنی عهد موسی نخواهد بود، زمانی که دستشان را گرفتم و از سرزمین مصر بیرون آوردم، عهدی که آنها شکستند، با اینکه من شوهر آنها بودم» «اما خداوند می‌گوید»: این عهدی است که پس از آن روزها با خاندان اسرائیل خواهم بست.».

شریعت خود را در درون ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل‌هایشان خواهم نوشت. من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. پس به فرمول عهد توجه کنید.

دیگر به یکدیگر تعلیم نخواهند داد یا به یکدیگر نخواهند گفت، نه، خداوند، زیرا همه مرا از کوچک تا بزرگ خواهند شناخت، خداوند می‌گوید، زیرا من گناه آنها را خواهم بخشید و دیگر گناه آنها را به یاد خواهم آورد. بنابراین، این دوباره در زمینه‌ای از ارمیا اتفاق می‌افتد که زمان بازگشت اسرائیل از تبعید و ورود خدا را پیش‌بینی می‌کند، و اکنون رابطه عهد خود را از طریق عهدی جدید تجدید می‌کند، جایی که شریعت خدا اکنون واقعاً بر قلب آنها نوشته شده است. با این حال، متن دیگری نیز وجود دارد که عهد جدیدی را

پیش‌بینی می‌کند، اگرچه دوباره از زبان کلمه عهد استفاده نشده است، زبان عهد به وضوح در چندین مکان وجود دارد، و آن کتاب حزقیال است که زمان بازگشت قوم خدا، بازگشت از تبعید را نیز پیش‌بینی می‌کند.

، برای مثال، در حزقیال فصل ۳۴ و آیه ۲۵، در پیش‌بینی این بازسازی، خدا به حزقیال می‌گوید: «من با آنها قوم اسرائیل، پیمان صلح خواهم بست و حیوانات وحشی را از سرزمینشان بیرون خواهم کرد تا بتوانند در طبیعت وحشی زندگی کنند و در جنگل‌ها با امنیت بخوابند.» اما به پیش‌بینی پیمانی توجه کنید که بعداً با جزئیات بیشتری به آن پرداخته و شرح داده می‌شود. بنابراین، در فصل ۳۶، همچنان منتظر بازسازی قوم خدا هستیم.

، فصل ۳۶ و آیات ۲۵ و ۲۶، برمی‌گردم و با آیه ۲۴ شروع می‌کنم. شما را از میان قوم خواهم برد. بنابراین موضوع احیای قوم خدا این است.

من شما را از میان ملت‌هایی که به دلیل تبعید پراکنده شده‌اند، خواهم گرفت و شما را از میان تمام کشورها به سرزمین خودتان جمع خواهم کرد و شما را به سرزمین خودتان خواهم آورد. و این زبان عهد جدید است. من آب پاک را بر شما خواهم پاشید و شما از تمام گناهان یا تمام ناپاکی‌هایتان پاک خواهید شد.

و از همه بت‌هایتان، شما را پاک خواهم کرد. قلبی تازه به شما خواهم داد و روحی تازه در درونتان خواهم نهاد. و دل سنگی را از بدن شما دور کرده، دلی گوشتی به شما خواهم داد.

فصل ۳۷ و آیات ۲۶ و ۲۷، مسکن من با ایشان خواهد بود، با اسرائیل، قوم او، و من خدای ایشان خواهم بود، و ایشان قوم من خواهند بود. دوباره به فرمول عهد توجه کنید. آنگاه قوم خواهند دانست که من خداوند، اسرائیل را تقدیس می‌کنم، هنگامی که پناهگاه من برای همیشه در میان ایشان باشد.

بنابراین، عهد جدید وسیله‌ای است که خداوند در نهایت با گناهکاری اسرائیل و در نهایت گناهکاری کل جهان برخورد خواهد کرد، زیرا او قوم خود را تأسیس و بازآفرینی می‌کند و دوباره با آنها وارد رابطه‌ای مبتنی بر عهد می‌شود، که در تحقق نیت اولیه‌اش برای بشریت در تمام دوران خلقت است. بنابراین، وسیله اصلی که خداوند از طریق آن با قوم خود برخورد می‌کند و با قوم خود وارد رابطه می‌شود، از طریق ایجاد یک عهد جدید است، جایی که او قوم خود را از گناه پاک می‌کند و آنها را به عنوان قوم خود دوباره برقرار می‌کند. او خدای آنها خواهد بود.

آنها بار دیگر قوم او خواهند بود. این مضمون عهد و همچنین قوم خدا به وضوح با مضمون بعدی مرتبط است و آن مضمون سرزمین است. ما قبلاً متنی مانند اشعیا فصل ۶۰ و آیه ۴ و همچنین زکریا باب ۸ را خوانده‌ایم که در آن خدا قوم را به سرزمین باز خواهد گرداند.

بنابراین قلب بازگرداندن قوم توسط خدا، بازگرداندن آنها به سرزمین است، که گفتیم بخشی از وعده‌ای بود که خدا به ابراهیم داد، وعده‌ای که به خلقت برمی‌گردد، فراهم کردنِ بخشنده زمین توسط خدا به عنوان مکانی برای برکت، مکانی که در نهایت خدا در آن ساکن خواهد شد یا با قوم خود ساکن خواهد شد. بنابراین توجه کنید که بازگشت به سرزمین چقدر مکرر در انتظار نبوی نقش دارد. اما جالب اینجاست که متنی که باید قبل از آن بررسی شود، در ارمیا فصل ۴، می‌خواهم در بازتاب این مضمون خلقت به آن توجه کنید، و درک این نکته مهم است که وقتی به ادبیات نبوی نگاه می‌کنید و در مورد بازگشت به سرزمین صحبت می‌کنید، نه تنها در ارتباط با ابراهیم و داستان اسرائیل دیده می‌شود، بلکه اغلب آن را به خلقت مرتبط می‌کند.

در واقع، تبعید اسرائیل به عنوان بازگشت به هرج و مرج، به نوعی آفرینش‌زدایی، بازگشت به پیش از پیدایش فصل ۱ آیه ۱ دیده می‌شود. بنابراین به ارمیا فصل ۴ و آیات ۲۳ تا ۲۶ توجه کنید و توجه کنید که چگونه زبان، فصل ۱ پیدایش و زمین بی‌شکل و خالی و بدون حیات و در انتظار باروری و منتظر تبدیل شدن به محیطی قابل سکونت برای مردم را تداعی می‌کند. بنابراین، این توصیف تبعید است. و دوباره، به ارتباطات با آفرینش‌زدایی، هرج و مرج و بازگشت به یک حالت آشفته پیش از خلقت توجه کنید.

آیه ۲۳، به زمین و پست نگاه کردم، ویران و خالی بود، و به آسمان‌ها و هیچ نوری نداشتند. به کوه‌ها و پست نگاه کردم، می‌لرزیدند و تمام تپه‌ها به این سو و آن سو حرکت می‌کردند. نگاه کردم و اینک هیچ‌کس نبود، و همه پرندگان هوا گریخته بودند.

نگاه کردم و دیدم که سرزمین حاصلخیز به بیابان تبدیل شده است و تمام شهرها به دلیل خشم شدید خداوند، در برابر او ویران شده‌اند. پس دوباره به زبان توجه کنید، نوعی زبان آفرینش‌زدایی یا بازگشت به هرج و مرج، حالت پیش از عدن. هیچ ثمری وجود ندارد، هیچ نوری در آسمان‌ها نیست، کوه‌ها می‌لرزند، و همه چیز خالی و تهی است و در انتظار یک عمل خلاقانه جدید.

و بنابراین بازگشت به سرزمین، اغلب به عنوان یک خلقت جدید یا یک عمل خلاقانه جدید به تصویر کشیده می‌شود. به عنوان مثال، اشعیا فصل ۵۱، و تمام این متونی که از متون نبوی خواهم خواند، همه در

زمینه بازگشت اسرائیل به سرزمین هستند. و چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید این است که چگونه آنها، هم به وعده‌ای که به ابراهیم داده شد و هم به عدن و خلقت از فصل ۱ پیدایش مرتبط هستند. بنابراین، اشعیا فصل ۵۱ و آیات ۲ و ۳. من با آیه ۱ شروع می‌کنم. به من گوش دهید، شما که در پی عدالت هستید، شما که در پی خداوند هستید، به صخره‌ای که از آن بریده شده‌اید و به معدنی که از آن کنده شده‌اید، بنگرید.

به ابراهیم، پدرت، و به سارا که تو را به دنیا آورد، بنگر، زیرا او تنها یک نفر بود وقتی که او را فراخواندم، اما او را برکت دادم و او را بسیار گردانیدم. بنابراین، بازگشت اسرائیل به سرزمین به وضوح با عهد ابراهیمی گره خورده است. اما اکنون آیه ۳ از اشعیا ۵۱، زیرا خداوند صهیون را تسلی خواهد داد، او تمام ویرانه‌های او را تسلی خواهد داد و بیابان او را مانند عدن، و بیابان او را مانند باغ خداوند خواهد ساخت.

شادی و سرور در او، شکرگزاری و صدای سرود یافت خواهد شد. بنابراین، بازگشت به سرزمین به عنوان بازگشت به باغ عدن، بازگشت به شرایطی شبیه به عدن از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش دیده می‌شود. بنابراین بازگشت اسرائیل از تبعید به سرزمین، هم به عنوان تحقق عهد و وعده ابراهیمی و هم به عنوان وعده‌ای مبنی بر اینکه او اجداد متعددی خواهد داشت و خدا آنها را به سرزمین خواهد برد، دیده می‌شود، او به آنها سرزمین را خواهد داد، اما همچنین به عنوان بازگشت به عدن به عنوان بازگرداندن نیت خدا برای بشریت برای زندگی بر روی زمین، بر روی زمین، مکانی پر بار و مکانی پربرکت، به عدن مرتبط است. با این حال، متون دیگری از عهد عتیق نیز در ادبیات نبوی وجود دارد که بازگشت اسرائیل به سرزمین و بازگشت به آن را هم با عدن و هم با وعده به ابراهیم، داستان اسرائیل، مرتبط می‌کند.

در فصل ۳۶ کتاب حزقیال، تعدادی آیه در این بخش وجود دارد که به وضوح مهم هستند، نه تنها به این دلیل که مکرراً به زمین اشاره می‌کنند، بلکه به این دلیل که هر دو را با وعده ابراهیمی، بلکه به باغ عدن نیز مرتبط می‌کنند. بنابراین، از فصل ۳۶، آیه ۴ شروع می‌شود: «بنابراین، ای کوه‌های اسرائیل، کلام خداوند «خداوند خود را بشنوید. خداوند خدا به کوه‌ها و تپه‌ها چنین می‌گوید»

آب البته هست، و چیزی که می‌خواهم به آن گوش دهید زبان باروری و آب است، در مقابل اسراف و تخریب و هرج و مرج. بنابراین، خداوند متعال به کوه‌ها و تپه‌ها چنین می‌گوید. آب البته در دره‌ها مکان‌های متروک و شهرهای متروک است که به منبع غارت و مایه تمسخر سایر ملت‌های اطراف تبدیل شده‌اند.

بنابراین، خداوند متعال می‌گوید: «من با غیرت شدید خود علیه سایر ملت‌ها و علیه تمام ادوم سخن می‌گویم، که با شادی تمام و تحقیر کامل، سرزمین مرا به خاطر چراگاه‌هایش به تصرف خود درآوردند تا آن را غارت کنند.» بنابراین، درباره سرزمین اسرائیل نبوت کن و به کوه‌ها و تپه‌ها، به جویبارها و دره‌ها بگو: خداوند متعال چنین می‌فرماید: من در خشم خود سخن می‌گویم، زیرا شما مورد اهانت ملت‌ها قرار گرفته‌اید.» بنابراین، خداوند متعال چنین می‌فرماید: «سوگند می‌خورم که ملت‌هایی که در اطراف شما هستند، خود نیز مورد اهانت قرار خواهند گرفت».

اما شما، ای کوه‌های اسرائیل، شاخه‌هایتان را خواهید رویانید، پس اینک مضمون باروری فرا می‌رسد، و میوه‌هایتان را به قوم من اسرائیل خواهید داد، زیرا آنها به زودی به خانه باز خواهند گشت. بنابراین، با احیای قوم خدا پیوند خورده است. اکنون ببینید، من با شما هستم.

من به تو روی خواهم آورد و تو را شخم خواهم زد و کشت خواهم کرد. و جمعیت تو را چندین برابر خواهم کرد. و تمام خاندان اسرائیل، تمام آن، شهر، مسکونی خواهد شد و خرابه‌ها بازسازی خواهند شد.

و من انسان‌ها و حیوانات را بر تو بسیار خواهم کرد. آنها زیاد و بارور خواهند شد. و تو را مانند روزگاران پیشین آباد خواهم ساخت و بیش از هر زمان دیگری به تو نیکی خواهم کرد.

آنگاه خواهی دانست که من خداوند هستم. من قوم خود، اسرائیل، را بر تو خواهم راند و آنها تو را در تصرف خود خواهند داشت و تو میراث آنها خواهی بود. این نشان دهنده وعده ای است که به فرزندان ابراهیم داده شده بود تا زمین را به ارث ببرند.

دیگر آنها را مانند فرزندان خود داغدار نخواهی کرد. متن بعدی در فصل ۳۶ از کتاب حزقیال، آیه ۲۸. باز هم، همه اینها در چارچوب بازگشت از تبعید است.

او می‌گوید من آیه ۲۷ را دوباره می‌خوانم. من روح خود را در درون شما، آن متن عهد جدید، قرار خواهم داد و شما را وادار می‌کنم که از فرایض من پیروی کنید و مراقب باشید که احکام مرا به جا آورید. حالا به این گوش دهید.

آنگاه در سرزمینی که به اجدادتان دادم، زندگی خواهید کرد. بنابراین، زبان عهد با زندگی اسرائیل در سرزمینشان گره خورده است، که با وعده به اجداد، وعده به ابراهیم، گره خورده است. و شما قوم من خواهید بود و من خدای شما.

باز هم، فرمول عهد. آیه 30، چند آیه بعد، میوه درخت و محصول مزرعه را فراوان خواهم کرد. به زبان باروری که به عدن برمی گردد توجه کنید، تا دیگر هرگز در میان ملت‌ها از ننگ قحطی رنج نبرید.

آیه ۳۴ و آیه ۳۵، دو آیه آخری هستند که در این بخش می‌خوانم. زمینی که ویران بود، به جای ویرانی که در نظر همه رهگذران بود، کشت خواهد شد. و آنها خواهند گفت، زمینی که ویران بود، مانند باغ عدن شده است.

و شهرهای ویران و متروک اکنون مسکونی و مستحکم شده‌اند. بنابراین، دوباره، این زبان بازگشت اسرائیل به سرزمینی که قبلاً مرگ و هرج و مرج و نابودی بود، که اکنون به وضعیتی از ثمربخشی و برکت بازگردانده خواهد شد، همانطور که در باغ عدن بود و در تحقق وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد که قومش مالک آن سرزمین خواهند شد. ارمیا فصل ۳۱، فقط برای نشان دادن به شما که سایر متون نبوی شامل موضوع بازگشت به سرزمین از نظر وعده‌ای که به ابراهیم داده شده یا عدن است.

فصل ۳۱، ارمیا ۳۱، و آیه ۱۲. دوباره به موضوع بازگشت و قوم خدا توجه کنید. آنها خواهند آمد و بر بلندی صهیون با صدای بلند سرود خواهند خواند، و بر نیکویی خداوند، بر غله، شراب و روغن، و بر بچه‌های گله و رمه خواهند درخشید.

زندگی آنها مانند باغی سیراب خواهد بود و دیگر هرگز پژمرده نخواهند شد. بنابراین حتی ارمیا نیز از تصاویر عدن برای توصیف بازگشت اسرائیل به سرزمینشان که خداوند به آنها وعده تحقق آن را داده است، استفاده می‌کند. باز هم، نه تنها وعده‌ای که به ابراهیم داده شد، بلکه در نهایت نیت خداوند برای بشریت از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش. آخرین متنی که می‌خواهم به آن نگاه کنم، و متن‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد، اشعیا تعدادی از آنها را دارد، اما متنی که می‌خواهم فقط برای لحظه‌ای روی آن تمرکز کنم، فصل ۶۵ اشعیا و آیات ۱۷ تا ۲۰ است، که اشعیا هنوز هم زمانی را پیش‌بینی می‌کند، حتی فراتر از تبعید، زمانی که قوم خدا در نهایت احیا خواهند شد.

و کاری که اشعیا انجام می‌دهد جالب است، اشعیا اکنون قرار است روز احیا را پیش‌بینی کند که از بازگشت اسرائیل به سرزمین فلسطین فراتر می‌رود، اما اکنون او در نهایت احیا را بر اساس خلقتی جدید تصور می‌کند. بنابراین، با شروع از فصل ۶۵ و آیه ۱۷، اشعیا می‌گوید، زیرا من در شرف خلق آسمانی جدید و زمینی جدید هستم. به شباهت آن با فصل ۱ پیدایش توجه کنید. در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید.

اکنون اشعیا می‌گوید، خدا در شرف آفرینش آسمانی جدید و زمینی جدید است. چیزهای پیشین به یاد آورده نخواهند شد و به ذهن خطور نخواهند کرد، بلکه از آنچه من می‌آفرینم تا ابد شاد و مسرور باشید، زیرا من در شرف آفرینش اورشلیم به عنوان مکانی برای شادی و مردم آن به عنوان مکانی برای شادی هستم. بنابراین، به موضوع آفرینش مجدد مردم و احیای مردم توجه کنید.

من در اورشلیم شادی خواهم کرد و از قوم خود مسرور خواهم شد. دیگر صدای گریه و فریاد پریشانی در آن شنیده نخواهد شد. حال، دو یا سه آیه بعدی که می‌خواهم بخوانم، می‌خواهم دوباره به آنها توجه کنید. باغ عدن و پیدایش، فصل‌های ۱ و ۲، زبان آفرینش.

آیه ۲۰، اشعیا فصل ۶۵، دیگر نوزادی که چند روز بیشتر زنده نماند، یا پیری که تمام عمرش را زنده نماند در آن نخواهد بود. و به یاد داشته باشید که بخشی از این نفرین، مرگ بر بشریت بود. بنابراین، پیدایش، از فصل ۵ به بعد، هر کسی که هست، می‌میرد و این تکرار مکررات را دارد و فلانی مرد و فلانی مرد.

اکنون می‌بینید که مرگ وارونه شده است. بنابراین، دیگر نوزادی نخواهد بود که فقط چند روز زندگی کند یا پیری که تمام عمرش را سپری نکند. زیرا کسی که در صد سالگی بمیرد، جوان شمرده می‌شود و کسی که کمتر از صد سال عمر کند، نفرین شده است.

خانه‌ها خواهند ساخت و در آنها ساکن خواهند شد. تاکستان‌ها غرس خواهند کرد و از میوه آنها خواهند خورد. باز هم، به یاد باروری باغ عدن.

آنها نخواهند ساخت تا دیگری در آن ساکن شود. آنها نخواهند کاشت تا دیگری بخورد، همانطور که وقتی آنها را به تبعید بردند، اتفاق افتاد. زیرا روزهای قوم من مانند روزهای درخت خواهد بود.

و برگزیدگان من از کارهای دست خود مدتها لذت خواهند برد. آنها بیهوده زحمت نخواهند کشید و فرزندانی برای مصیبت نخواهند زایید. زیرا آنها فرزندانی خواهند بود که خداوند آنها را برکت خواهد داد و همچنین نسل آنها.

بنابراین، توجه کنید، اشعیا زمان بازسازی را پیش‌بینی می‌کند که حتی از آنچه هنگام بازگشت اسرائیل به تبعید اتفاق افتاد، بسیار فراتر می‌رود. یعنی، او خلقت جدیدی را پیش‌بینی می‌کند که از اولین عمل آفرینش در فصل اول پیدایش الگوبرداری شده است. و دوباره، به تصویر عدن توجه کنید که این زمان باروری، زمان معکوس کردن لعنت مرگ، زمان باروری خواهد بود. و چه چیز جالب دیگری در آیه ۲۲، جایی که می‌گوید، زیرا مانند روزهای یک درخت، روزهای قوم من خواهد بود، ترجمه یونانی عهد عتیق، در واقع می‌گوید، زیرا مانند روزهای یک درخت زندگی، که دقیقاً همان عبارت موجود در پیدایش است، درخت زندگی که در مرکز باغ قرار دارد.

بنابراین، به وضوح، اشعیا زمان بازسازی را پیش‌بینی می‌کند که بازگشت به شرایط فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش و خلقت اولیه و باغ عدن خواهد بود. بنابراین، این پیوند سرزمین فلسطین و بازگرداندن قوم خدا به سرزمینشان و عدن، نشان می‌دهد که بازگرداندن اسرائیل به سرزمینشان در نهایت وسیله‌ای است که کل کیهان در یک خلقت کاملاً جدید بازسازی و بازآفرینی خواهد شد. بنابراین، ما شاهد ادبیات نبوی در ادامه این داستان بوده‌ایم که به موضوع غالب قوم خدا می‌پردازد، مبنی بر اینکه پیامبران زمانی را پیش‌بینی می‌کردند که پس از تبعید، خدا قوم را در یک عمل خلاقانه جدید بازسازی خواهد کرد.

کاملاً جدید، با آنها وارد یک رابطه پیمانی خواهد شد. و سپس آنها را در تحقق وعده‌ای که به ابراهیم داده شده بود، به سرزمینشان باز خواهد گرداند، اما در نهایت در تحقق نیت خدا برای عدن و برای اولین خلقتی که در نهایت در یک عمل خلاقانه جدید رخ خواهد داد، خلقتی کاملاً جدید که شرایط پیدایش ۱ و ۲ و شرایط باغ عدن، نیت اولیه خدا برای قومش را احیا خواهد کرد.

حال، ذکر باغ عدن و تصویرسازی زمین، طبیعتاً ما را به موضوع بعدی سوق می‌دهد و آن موضوع معبد یا باغ است. به یاد داشته باشید که در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش گفتیم که باغ عدن به عنوان یک پناهگاه مکانی که خدا با قوم خود در آن ساکن بود، مکانی برای استراحت حضور خدا، دیده می‌شد. هنگامی که آدم و حوا از باغ، مکان برکت و حضور خدا، رانده و تبعید می‌شوند، خدا ابراهیم را انتخاب می‌کند و سپس قوم جدیدی، قوم اسرائیل، را می‌آفریند که با آنها وارد یک رابطه پیمانی خواهد شد.

و بخشی از آن این است که اسرائیل قرار است یک خیمه و معبد به عنوان محل سکونت خدا، به عنوان مکانی که حضور خدا در کنار قومش در آن قرار خواهد گرفت، بسازد. با این حال، جالب توجه است که ما به تعدادی از ارتباطات بین معبد و باغ عدن اشاره کردیم، به طوری که معبد به نوعی یک باغ مینیاتوری از عدن است. معبد، نمونه کوچکی از چیزی است که خدا قصد دارد در نهایت کل کیهان را با جلال و حضور خدا در تمام خلقتش در بر بگیرد.

پیامبران نیز طبیعتاً زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که اسرائیل در رابطه‌ای مبتنی بر عهد با خدا به سرزمین خود بازگردد و شرایط خلقت و عدن احیا شود. حضور خدا نیز در میان قومش به شکل یک معبد بازسازی‌شده یا مرمت‌شده وجود خواهد داشت. و بسیاری از متون نبوی، احیای سکونتگاه خدا با قومش یا به طور خاص‌تر، ساخت یا بنای معبدی توسط خدا را پیش‌بینی می‌کنند که در آن با قوم خود ساکن خواهد شد.

ما قبلاً به فصل ۸، آیه ۸ کتاب زکریا نگاهی انداختیم. این آیه اغلب با عبارت عهد مرتبط است، من خدای شما خواهم بود، آنها قوم من خواهند بود. این عبارت در داستان وعده خدا برای سکونت در میان قومش آمده است. بعداً در فصل ۱۴ کتاب زکریا، آخرین فصل کتاب زکریا، خدا قصد خود را برای سکونت در میان قومش بیان می‌کند.

این شهر مکانی نامیده خواهد شد که خدا در آن ساکن است. احتمالاً گسترده‌ترین توصیف از بازسازی معبد خدا به عنوان محل سکونت او با قومش در حزقیال، فصل ۴۰ تا فصل ۴۸ یافت می‌شود. بخشی نسبتاً طولانی که وقتی آن را می‌خوانید، بیشتر آن به شرح نسبتاً مفصلی از معبد و ابعاد و آرایش و ساخت و عملکرد آن و آنچه قرار است در آنجا اتفاق بیفتد، اختصاص دارد، زیرا حضور خدا بار دیگر در کنار قومش عملکرد می‌گیرد.

حزقیال، فصل‌های ۴۰ تا ۴۸. اما کاری که می‌خواهم انجام دهم تمرکز بر چند متن جالب در آن است. و واضح است که اگرچه تفاوت‌هایی وجود دارد، توصیف و اندازه‌گیری معبد و توصیف معبد در حزقیال ۴۰ تا ۴۸ به وضوح توصیفات قبلی، توصیفات دقیق معبد در اول پادشاهان و خیمه در خروج را به یاد می‌آورد ۴۸.

اما این نه تنها با معبد اسرائیل ارتباط دارد، بلکه به نوعی حزقیال می‌گوید وعده خدا برای سکونت با قومش اسرائیل اکنون در حال تحقق است. چیزی که می‌خواهم توجه شما را جلب کنم این است که این بخش، پیوندهای روشنی با باغ عدن، با فضای الهی یا پناهگاه از فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش نیز دارد. به عنوان مثال

حزقیال فصل ۴۳ و آیه ۱. اهمیت این بخش درست پس از شرح مفصلی از آرایش و ساخت معبد و شکل ظاهری آن و تمام جنبه‌های مختلف آن و حیاط‌ها و غیره، و شرح مقدس‌ترین مکان و مبلمان، تمام چیزهایی که در توصیف معبد انتظار دارید، قرار دارد. وقتی این کار در نهایت انجام می‌شود، در فصل ۴۳ و آیه ۱، و اتفاقاً حزقیال ۴۰ تا ۴۸ نوعی رؤیای آخرالزمانی است.

حزقیال این را در یک رؤیا می‌بیند. او در واقع توسط یک موجود آسمانی از یک تجربه رؤیایی عبور کرده و این چیزها را نشان داده است. اما سپس با شروع از فصل ۴۳ و آیه ۱، سپس او، این موجود فرشته‌ای که حزقیال را در این نوع سفر رؤیایی راهنمایی می‌کند، مرا به دروازه آورد، دروازه‌ای که رو به شرق بود، و در آنجا جلال خدای اسرائیل از شرق می‌آمد.

صدا مانند صدای آب‌های خروشان بود و زمین از جلال او می‌درخشید. بنابراین اکنون در فصل‌های ۴۰ تا اکنون که معبد ساخته و توصیف شده است، اکنون آماده است تا جلال خدا بار دیگر بر آن قرار ۴۲، گیرد، همانطور که در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش، هنگامی که خلقت، معبد خلقت، ساخته شد، اکنون خدا می‌تواند استراحت کند، حضور او می‌تواند در معبدش استراحت کند. بنابراین اکنون حضور خدا، جلال او بار دیگر می‌آید تا در معبدش ساکن شود و استراحت کند.

اما چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنم، یک ویژگی جالب که می‌خواهم به آن توجه کنید، نمادگذاری جهت در اینجا است که او به دروازه معبد که رو به شرق است آورده می‌شود و حضور خدا از شرق برای ورود به معبد می‌آید. اگر به طرز جالبی به یاد داشته باشید، این واقعیت را به یاد می‌آورد که، و من فکر می‌کنم این عمدی است، این واقعیت که در پیدایش فصل ۳، وقتی آدم و حوا از باغ رانده شدند، از ورودی شرقی رانده شدند. و دو موجود فرشته، دو گروهی در آن ورودی، در ورودی شرقی، برای محافظت از حضور خدا مستقر شدند.

اکنون حضور خدا بار دیگر از طریق دروازه شرقی، ورودی شرقی، وارد می‌شود تا در معبد او ساکن شود. واضح است که این نشان می‌دهد که باغ عدن قرار بود یک معبد، محل سکونت خدا باشد. بنابراین اکنون جلال خدا، حضور او، از طریق شرق در معبد او ساکن می‌شود، تقریباً به همان روشی که آدم و حوا از ورودی شرقی معبد رانده شدند.

متون دیگری در کتاب حزقیال وجود دارد که نشان می‌دهد باغ یا معبد قرار است منعکس کننده باغ عدن باشد. بنابراین برای مثال، در فصل ۴۷، سپس او، دوباره موجود فرشته‌ای که حزقیال را در این سفر رویایی به معبد هدایت می‌کند، مرا به ورودی معبد برگرداند و در آنجا آب از زیر آستانه معبد به سمت شرق جاری بود، زیرا معبد رو به شرق بود. و آب از زیر انتهای جنوبی آستانه معبد، جنوب محراب، جاری بود.

بنابراین به این زبان آب توجه کنید، رودخانه‌ای که از معبد جاری است، همانطور که از عدن، در فصل دوم پیدایش، جاری بود. سپس او مرا از راه دروازه شمالی بیرون آورد و در بیرون به دروازه بیرونی که رو به شرق است هدایت کرد، و آب از سمت جنوب بیرون می‌آمد. و دوباره، همانطور که او راه می‌رود، همانطور که این تور را طی می‌کند، آب عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود و رودخانه پهن‌تر می‌شود، به طوری که سرانجام در آیه او حتی نمی‌تواند از آن عبور کند. آیه ۷، و همانطور که برمی‌گشتم، در ساحل رودخانه درختان زیادی را ۵ در یک طرف و طرف دیگر دیدم.

او به من گفت: «این آب به سوی شرق جاری می‌شود و به دریای عربه فرو می‌رود و چون به دریا، دریای آب‌های راکد، وارد شود، آب‌ها شیرین خواهند شد. هر جا که رودخانه می‌رود، هر موجود زنده‌ای که در آن زندگی می‌کند، زنده خواهد شد. و چون این آب‌ها به آنجا برسند، ماهیان بسیاری در آنجا خواهند بود».

خبر خوب برای کسانی که به ماهیگیری علاقه دارند. ماهی تازه خواهد شد و هر جایی که رودخانه جریان دارد، همه چیز زنده خواهد ماند. پس، دوباره به بازگشت به شرایط شبیه به بهشت توجه کنید.

درختانی که میوه می‌دهند، آبی که حیات می‌بخشد، سرشار از حیات وحش، که آشکارا پیش‌بینی و بازتابی از باغ عدن است. آیه ۱۲، آخرین آیه این بخش که می‌خواهم بخوانم، در کرانه‌های دو طرف رودخانه انواع درختان برای غذا رشد خواهند کرد. برگ‌های آنها پژمرده نمی‌شود و میوه‌های آنها از بین نمی‌رود، بلکه هر ماه میوه تازه می‌دهند زیرا آب آنها از محراب جاری می‌شود.

میوه‌های آنها برای غذا و برگ‌هایشان برای شفا خواهد بود. بنابراین معبد خدا، محل حضور خدا، به عنوان مجرای برای برکت و زندگی در سراسر خلقت، در سراسر سرزمین دیده می‌شود. بنابراین، به وضوح، بازسازی معبد، بازگشت به فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش و شرایط شبیه به عدن را نشان می‌دهد، زیرا خدا اکنون قصد اولیه خود را برای بشریت برای سکونت با قومش در سرزمینی که محیطی مناسب برای آنها است، سرزمینی پربار و سرزمینی که پر از حضور و جلال خدا است، محقق می‌کند، همانطور که قرار بود در قصد اولیه

خدا برای خلقت در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش باشد. آخرین موضوعی که می‌خواهم به آن بپردازم، موضوع پادشاهی است.

گفتیم که در داستان اسرائیل، اگرچه قرار بود اسرائیل پادشاهی کاهنان باشد، اما طبق کتاب خروج، در درجه اول، فرمان اسرائیل برای حکومت، قرار بود از طریق پادشاه داوود انجام شود. بنابراین، خداوند داوود را به عنوان پادشاه انتخاب می‌کند و به داوود وعده می‌دهد که از طریق آن، خداوند حکومت خود را بر تمام آفرینش برقرار خواهد کرد. در نهایت، از طریق پادشاه داوود بود که بر اسرائیل در سرزمینشان حکومت می‌کرد.

در نهایت از طریق پادشاه داوود است که حکومت و حاکمیت خدا در سراسر خلقت گسترش می‌یابد و باب‌های ۱ و ۲ پیدایش را به کمال می‌رساند. گفتیم که نقطه شروع آن باب ۷ دوم سموئیل است. در باب ۷ دوم سموئیل، خدا به داوود وعده تخت بی‌پایانی می‌دهد که به عنوان پایه و اساس تمام پیش‌بینی‌های نبوی در مورد سلطنت احیا شده داوود عمل می‌کند. و حتی جالب اینجاست که این واقعیت که داوود قرار بود خانه‌ای بسازد، اگرچه جد او خانه را می‌ساخت، حتی این انتظار که یکی از اجداد داوود خانه‌ای بسازد، ارتباط بین معبد و همچنین پادشاه داوود را نشان می‌دهد. پیش از این در متونی مانند مزمور باب ۲ دیدیم که حکومت پادشاه داوود قرار بود در نهایت جهانی شود، باز هم در تحقق باب‌های ۱ و ۲ پیدایش، که حکومت خدا در سراسر خلقت گسترش یابد، که بشریت نایب خدا باشد تا حکومت او را در سراسر خلقت نمایندگی و گسترش دهد.

حتی در مزمور ۲، متوجه می‌شویم که این نیت پادشاه داوود است. اما باز هم، می‌خواهم به سادگی به تعدادی از متون نبوی نگاه کنم که پیش‌بینی می‌کنند در زمان احیا، زمانی که خداوند قوم خود را به سرزمین بازمی‌گرداند، معبد خود را تأسیس می‌کند، همه چیز را از نو می‌آفریند و عهد جدیدی با قوم خود برقرار می‌کند، که این امر به وضوح شامل احیای پادشاه داوود نیز می‌شود، که خداوند دوباره از طریق احیای وعده خود به داوود بر قوم خود حکومت خواهد کرد. بنابراین، به عنوان مثال، در اشعیا فصل ۵۵، «اینک هر که تشنه است، به سوی آب‌ها بیاید، و شما که پول ندارید، بیایید، بخرید و بخورید».

بیایید، شراب و شیر را بدون پول و بدون قیمت بخرید. این فراخوانی است خطاب به بنی اسرائیل، در پرتو این انتظار و توقع بازگشت از تبعید». چرا پول خود را برای چیزی که نان نیست و کار خود را برای چیزی که

سیر نمی‌کند، خرج می‌کنید؟ به من گوش فرا دهید و از آنچه خوب است بخورید و از غذاهای غنی لذت ببرید. گوش فرا دهید و نزد من آیید، گوش دهید تا زنده بمانید».

«من با تو عهدی جاودان خواهم بست، عشق پایدار و مطمئن من به داوود». بنابراین در زمان بازگشت خداوند عهد خود را که با داوود بسته بود، دوباره برقرار خواهد کرد یا حفظ خواهد کرد، که به عنوان نایب‌السلطنه او، پادشاهی بر تخت داوود بر اسرائیل حکومت خواهد کرد، در تحقق پیدایش ۱ و ۲، و نیت خدا مبنی بر اینکه حاکمیت و پادشاهی او در سراسر زمین به رسمیت شناخته شود. ارمیا فصل ۳۳ و آیه ۱۵، دوباره متن دیگری است که بازگشت از تبعید را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین فصل ۳۳ و آیه ۱۵، من به عقب برمی‌گردم و آیه ۱۴ را می‌خوانم: «خداوند می‌گوید: روزهایی فرا خواهد رسید که وعده‌ای را که به خاندان اسرائیل و خاندان یهودا داده‌ام، به انجام خواهم رساند». و در اینجا آمده است: «در آن روزها و در آن زمان، شاخه‌ای صالح برای داوود خواهم روید و او عدالت و راستی را در زمین اجرا خواهد کرد». حزقیال فصل ۳۷ که قبلاً خوانده‌ایم، فصل‌های ۳۶ و ۳۷، شامل همه این مضامین است. درباره‌ی احیای قوم خدا عهد جدید، خلقت جدید، احیای سرزمین و احیای معبد در فصل‌های ۴۰ تا ۴۸.

اکنون به فصل ۳۷ و آیات ۲۴ و ۲۵ توجه کنید: «بنده من داوود بر ایشان، بر اسرائیل بازسازی‌شده، پادشاه خواهد بود و همه آنها یک شبان خواهند داشت. آنها از احکام من پیروی خواهند کرد و فرایض مرا به دقت، به جا خواهند آورد. آنها در سرزمینی که به بندهام یعقوب دادم، جایی که اجداد شما در آن زندگی می‌کنند، زندگی خواهند کرد».

ایشان و فرزندان‌شان و فرزندان فرزندان‌شان تا ابد در آنجا ساکن خواهند بود، و بنده من داوود تا ابد رئیس ایشان خواهد بود. بنابراین، واضح است که احیای اسرائیل در آن سرزمین با حکومت داوود بر آنها به عنوان پادشاه مرتبط است. باز هم، در تحقق پیدایش ۱ و ۲، که در آن حکومت خدا از طریق نایبان او در سراسر زمین گسترش می‌یابد. اکنون آن نایب‌السلطنه داوود است که حکومت خدا را بر ملت اسرائیل گسترش خواهد داد.

با این حال، هنوز در سراسر عهد عتیق نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد این حکومت داوود قرار است جهانی باشد، چیزی بیش از صرفاً بر فلسطین یا ملت اسرائیل، بلکه در نهایت قرار است جهانی شود. ما قبلاً این را در مزمور فصل ۲ دیدیم، جایی که قرار است اقصی نقاط زمین و همه ملت‌ها به داوود داده شود. اما نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد.

، برای مثال، دانیال فصل ۷ و آیه ۱۴، که باز هم نوعی رؤیای آخرالزمانی است که دانیال دارد. و در دانیال فصل ۷ و آیه ۱۴، دانیال، اول از همه، در بخش اول فصل ۷، رؤیایی از این جانوران، این چهار جانور می بیند و هر کدام نمایانگر پادشاهی‌هایی هستند. اما این رؤیای این چهار چهره جانوری در نهایت با رؤیایی از پسر انسان جایگزین می‌شود.

و آیه ۱۳ و سپس آیه ۱۴ از باب ۷ کتاب دانیال را خواهیم خواند. همانطور که در رؤیاهای شب نگاه می‌کردم، کسی را دیدم که شبیه پسر انسان یا یک انسان بود، که با چهار حیوان در تضاد است و با ابرهای آسمان می‌آید. و او نزد آن پیر آمد و در حضور او حاضر شد. به او، به پسر انسان سلطنت و جلال و پادشاهی داده شد و همه قوم‌ها، ملت‌ها و زبان‌ها باید او را خدمت کنند.

سلطنت او ابدی و جاودان است. پادشاهی او هرگز نابود نخواهد شد. بنابراین به این پسر انسان توجه کنید که با مضامین داوود و وعده عهد داوود که به داوود داده شده است، طنین‌انداز است و بدیهی است که بعداً در عهد جدید به آن خواهیم پرداخت.

به این پسر انسان، دوباره، در تحقق وعده پیدایش ۱ و ۲، مبنی بر اینکه نایبان خدا به عنوان نماینده او بر تمام آفرینش حکومت خواهند کرد، یک سلطنت یا پادشاهی جهانی داده می‌شود. اکنون این پسر انسان جای خود را به عنوان نایب خدا می‌گیرد، که اکنون سلطنت و جلال و پادشاهی بر تمام ملت‌ها به او داده شده است. و این سلطنت ابدی خواهد بود.

شاید حتی این واقعیت که اکنون به او تسلط بر این چهار جانور داده شده است، منعکس کننده زبان آفرینش تسلط آدم بر جانور صحرا و بر جانور خلقت نیز باشد. بنابراین، فصل ۷ کتاب دانیال، موضوع تسلط و پادشاهی و حکومت را که در ادبیات نبوی در رابطه با داوود یافت می‌شود، در نظر می‌گیرد، اما اکنون آن را به کل خلقت گسترش می‌دهد. در فصل‌های ۹ و ۱۰ کتاب زکریا، ما همچنین در مورد تسلط! جهانی می‌خوانیم، زمانی که زکریا، دوباره، زمان احیا را پیش‌بینی می‌کند: «شادی فراوان کن، ای دختر صهیون ای دختر اورشلیم، با صدای بلند فریاد بزن! اینک، پادشاه تو نزد تو می‌آید، پیروز و فاتح، فروتن و سوار بر الاغ و کره الاغ.

او ازاره را از افرایم و اسب جنگی را از اورشلیم قطع خواهد کرد و کمان جنگی شکسته خواهد شد. او صلح را برای ملت‌ها فرمان خواهد داد. سلطنت او از دریا تا دریا و از رودخانه تا اقصای زمین خواهد بود. و حتی

حزقیال فصل ۱۴ و آیه ۹، آخرین فصل، متاسفم، زکریا فصل ۱۴ آیه ۹ را با اشاره به اینکه خداوند بر تمام زمین پادشاه خواهد شد، به پایان می‌رساند.

بنابراین از طریق پادشاه، پادشاه داوودی، است که سرانجام پادشاهی خدا، به عنوان نایب خدا، پادشاهی خدا و حکومت او در سراسر خلقت گسترش یافته و در سراسر آن تحقق خواهد یافت. به یاد داشته باشید، به دلیل گناه، خلقت اکنون پادشاهی شیطان است و انسان‌های تحت قدرت شیطان، حکومت خود را آبیاری می‌کنند و این کار را در مخالفت با پادشاه حقیقی انجام می‌دهند. اما اکنون وضعیتی را می‌بینیم که در آن خدا زمین را به عنوان پادشاهی واقعی خود بازپس می‌گیرد و آن را پادشاهی خود قرار می‌دهد و او از طریق نایب خود داوود بر آن حکومت خواهد کرد و شرایط خلقت را در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش احیا خواهد کرد. و بنابراین وقتی این اتفاق می‌افتد، متن نبوی نشان می‌دهد که وقتی اسرائیل احیا شود، آنها نوری برای همه ملت‌ها خواهند بود.

زمانی که قوم خدا در تحقق وعده‌ای که به ابراهیم داده شد و در نهایت در تحقق تمام خلقت در پیدایش ۱ و ۲ احیا شوند، اکنون همه ملت‌ها حاکمیت و جلال خدا را به رسمیت خواهند شناخت. بنابراین، پیامبران پیامبران زمان را به عنوان بخشی از ادامه و حرکت داستان پیش‌بینی کردند، پیامبران زمانی را پیش‌بینی کردند که در تحقق پیدایش ۱ و ۲، بلکه در تحقق داستان اسرائیل، زمانی را پیش‌بینی کردند که اسرائیل احیا شود جایی که عهد با اسرائیل احیا شود، اسرائیل در تحقق نیت خدا در خلقت به سرزمین بازگردانده شود و به سرزمین، یک عدن جدید، مکانی پر بار و پربرکت، بازگردانده شود. پادشاه داوود بر آنها حکومت خواهد کرد و حکومت خدا را در تمام خلقت گسترش خواهد داد.

معبد بازسازی خواهد شد تا اکنون خدا بتواند در میان آنها ساکن شود. وقتی این اتفاق بیفتد، اکنون برکات نجات می‌تواند به سوی همه ملت‌ها جاری شود. بنابراین، به یاد داشته باشید، خدا باید با دو مشکل روبرو شود، مشکل گناهکاری اسرائیل و در نهایت مشکل تمام خلقت.

بنابراین، پس از آنکه خداوند، اسرائیل را به سرزمینش بازگرداند، با پادشاهی از نسل داوود که بر آنها در خلقتی جدید، عدن جدید، مکانی برای برکت، در رابطه‌ای عهدی جدید با خدا و سکونت دوباره خدا با قومش در معبد، حکومت می‌کند، آنگاه برکت می‌تواند به سوی همه ملت‌ها جاری شود. کل خلقت در تحقق پیدایش ۱ و ۲، در تحقق نیت اولیه خدا برای قومش و برای خلقتش از پیدایش فصل‌های ۱ و ۲، تجدید خواهد شد. بنابراین، پیامبران ما را با این سوال تنها می‌گذارند، آنها هنوز هم داستان را ناقص می‌دانند.

چگونه این انتظار محقق خواهد شد؟ چگونه تمام انتظار بازگشت قوم احیا شده به سرزمینشان، خلقتی جدید، عدن جدید، با جانشین خدا که بر آنها حکومت می‌کند و حکومت خود را در سراسر خلقت گسترش می‌دهد، با سکونت معبد بازسازی شده خدا در میان آنها، در رابطه‌ای عهدی با خدا، محقق خواهد شد؟ چگونه این انتظار محقق خواهد شد؟ چگونه خداوند هدف خود را محقق خواهد کرد؟ چگونه نتیجه داستان را خواهد نوشت؟ خب، باید منتظر عهد جدید باشیم تا ببینیم نتیجه داستان چگونه نوشته می‌شود.

و در چند سخنرانی بعدی که در مورد خط داستانی داریم، بر عهد جدید و چگونگی انتظار نبوی در مورد چگونگی پایان داستان و چگونگی تحقق آن تمرکز خواهیم کرد. این سومین سخنرانی از شش سخنرانی دکتر دیو متیوسون در مورد خط داستانی کتاب مقدس بود.